## ضربه سودجویان به فرش دستباف

**ایسنا:** محمدرضا خواجویی معاون امور بازرگانی و توسعه تجارت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان گفت: متاسفانه جدیدا در تولید فرش دستباف از مواد اولیه مناسب استفاده نمی‌شود و این موضوع کیفیت فرش را خدشه‌دار می‌کند که سبب از دست دادن بازارهای جهانی خواهد شد. خواجویی با بیان این مطلب که برخی‌ها متاسفانه فقط به تولید فرش بدون در نظر گرفتن کیفیت توجه می‌کنند، تصریح کرد: باید در نمایشگاه‌های بین‌المللی شرکت و بازارهای هدف فرش کرمان را مشخص کنیم ضمن آنکه باید در بازارهای جهانی هدفمند حرکت کنیم. وی گفت: استفاده از مواد طبیعی و باکیفیت مورد توجه خارجی‌ها است.

یادداشت

### نقدی بر نمایش رقص شور

## تلخیِ یک رقص

**گروه فرهنگ و هنر**

رقص شور با وجود تلاش مشهود سازندگانش برای ارایه یک نمایش متفاوت، باضعف‌های فراوانی روبرو بود. در حرکات آغازین رقص شـــور که تلاش شده بود تا «خشکسالی» و تبعات آن به نمایش گذاشته شود، هر چند نمی‌توان از انجام زیبای حرکات فرم بازیگران به‌خصوص بازیگر خردسال این بخش چشم پوشید، اما از دیدگاه زیباشناسی، این بخش از نمایش بیش از اندازه طولانی و ناکارآمد و فاقد قدرت انتقال اطلاعات مؤثـــر از متن بود که حتی با حذف آنها مخاطب سریع‌تر به اصل مطلب می‌رسید. برای مثال در صحنه‌ای که قاسم سرگذشت مادر حلیمه را تعریف می‌کند یا در صحنه‌ای که رحمان ماجرای کور شـــدن بچه‌ها را در آخرین جشن ترسالی به درخواستِ حلیمه باز تعریف می‌کند، نویسنده سعی می‌کند اطلاعاتی به مخاطب بدهد، اما نه در قالب «کنش دراماتیک» بلکه در قالب «خاطره‌گویی» که آفت جان درام است. تنها کنش کلامی رخ دهنده که بر سیر تکاملی درام تکیه دارد؛ افشای راز قاسم از سوی خانم مهندس است که اثر این کنش در شلوغی‌های بی‌ربط، کم جان می‌شود. معمولا درام‌های استخوان‌دار دارای نظامِ نظم و بی‌نظمی هستند تا از دل آنها کنش‌های نابِ کمتر دیده شده، حاصل شود. در رقص شـــور این نظام در متـــن در حد قابل قبول وجود داشت. برای مثال؛ برگزاری جشن نه برای پایکوبی، بلکه برای دور نگه‌داشتن کودکان روستا از خطر دیدن آسمان آبی با وجود این، در مکانیزم اجرایی هیچ اثری از این شگرد زیبای متن وجود ندارد و طراحی نمایش فقط در حد گفته‌های متن بسنده می‌کند و از نظام نظم و بی نظمی محکم متن، چشم‌پوشی می‌کند.

هر اثری در این ژانر نگرشی دو قطبی دارد. یعنی آن‌چه که کاراکترها می‌گویند با آن‌چه عمل می‌کنند متفاوت است و بین منش و نگرش کاراکتر تفاوت وجود دارد. این نگرش دو قطبی در متن نمایشنامه‌ی رقص شور دیده می‌شود. قاسم که در واقعیت پنهان خود، فرزندی دارد که بر خلاف آن‌چه در متن بر زبان می‌آورد برای درمانش راهی شهر می‌شود. او علی‌رغم ظاهر خشن، دل‌سوز همه است. حتا فرزند خود را قربانی می کند تا اگر مسیر درمانش او را بدتر کرد، دامنگیر دیگر بچه‌های روستا نشود. در مقابل خانم مهندسی وجود دارد که صرفا به فکر انجام وظیفه خود است و خود را در کلام دلسوز مردم نشان می‌دهد. او با سلاح حقیقت‌گویی و با وعده و وعید، روستا را خالی از سکنه می‌کند، تا پروژه‌ی سدسازی که به زعم اهالی آبادی، عامل اصلی خشکسالی است، متوقف نشود. حضور خانم مهندس نه به صورت فیزیکی بلکه به طور تمرکزستیزی وجود داشت. بازیگرانی که در اطراف صحنه به کارهای خود مشغول هستند و نمایشی که در وسط صحنه رخ می‌دهد، به شدت مخاطب را اذیت می‌کند و مشخص نیست چرا مکانیزم تمرکزستیزی برای این اجرا که اتفاقا نیاز به تمرکز دارد انتخاب شده بود؟

بازیگران نمایش هم فاقد خلق لحظه بودند و رشد شخصیت در طول یک درام که باعث دگرگونی شخصیت می‌شود، در نوع بازی‌ها رخ نمی‌داد. به عنوان مثال شخصیت «حلیمه» بعد از دانا شدن تا حلیمه‌ی قبل از این اتفاق فرقی ندارد. در کل شرایط محیطی هیچ تاثیری بر بازی افراد نداشت، انگار نه انگار در میانه‌ی خشک‌سالی اسیر شده‌اند. کارگردان نیز گویا در انتقال تغییراتِ شرایط محیطی و روانی در طول اثر بر بازیگر تاکید لازم را نداشته، در نتیجه تم اصلی درام که «خشونت طبیعت» است فراموش می شود و کارگردان صرفا به مکانیزم اجرایی خود تاکید می‌کند. خانم مهندس از اهالی روستا نیست متفاوت از دیگران است اما بازی به گونه‌ای ارایه می‌شود که گویی از اهالی روستاست. نوع گویش و حرکات این کاراکتر تفاوت چندانی با دیگران ندارد و تفاوت تنها در طراحی لباس برای این شخصیت لحاظ شده است. هم‌چنین حرکت‌های فرم بسیار طولانی و تکراری، سبب سکته در ریتم کار شده بود و اگر معجزه‌ی موسیقی و تلاش قابل ستایش نویسنده در خلق دیالوگ‌های جذاب نبودند، اثر از همان اواسط دچار کما می‌شد.

موسیقی در این نمایش کاملا به عنوان یک «شخصیت» تعریف شده بود. بزرگ‌ترین معضل این بخش، عدم استفاده درست از موسیقی به عنوان یک شخصیت دراماتیک پیش‌برنده است. از توانایی گروه موسیقی صرفا در حد پر کردن فضاهای بین صحنه یا تاکید بر قسمتی از دیالوگ استفاده می‌شد. موسیقی رقص شور که چیزی بین موسیقی بلوز و سنتی است و گاهی به موسیقی تاجیکی یا چینی نزدیک می‌شود و با فضای کار نیز هم‌خوانی داشت. طراحی لباس نیز در چنین اثری باید انتقال اطلاعات نمایش هم‌چون جغرافیا و حتا وجوه شخصیتی کاراکترها را به دوش بکشد. در طراحی لباس پیرمرد آبادی، انتخاب جلیقه‌های گوشه‌دار بیشتر مربوط به دامپروران است تا کشاورزان و حتی اگر بپذیریم در این روستا رمه‌داری نیز وجود دارد معمولا این کار مخصوص جوانان است نه پیرترین شخص روستا! هم‌چنین اهالی روستا لباسی نزدیک به روستاییان ایرانی داشتند، اما خانم مهندس لباسی نزدیک به قرن ۱۹ در اروپا دارد با شنل و چتر. البته لباس بازیگر زن حرکات فرم بسیار بجا و مناسب طراحی شده است که به بازیگر جهت فضاسازی کمک می‌کند و نقطه‌ی قوت طراحی لباس است. نمایش در جایی پایان می‌پذیرد که جز راز قاسم دیگر کدی رمز گشایی نمی‌شود، چون اصلا کدی ایجاد نشده. اگر به جای ابتدای نمایش در پایان نمایش مشخص می‌شد که چرا باید هر شب در روستا جشن ساختگی برپا شود، این ناآگاهی باعث می‌شد رمزی دیگر کدگذاری شود تا پایان نمایش را باشکوه‌تر کند. در نتیجه پایان نمایش هم فاقد کنش دراماتیک است و فقط با فرم و حرکت و بدون ایجاد ضربه مؤثر به مخاطب پایان می‌پذیرد و مخاطب حتا شک می‌کند که باید دست بزند یا کار ادامه دارد.

پوستر یک نمایش همیشه تصویر کلی و مبهمی از اندیشه و تمامیت یک اثر را در خود جا می‌دهد و در عین حال کارکرد تبلیغی و رسانه‌ای دارد. طراحی پوستر رقص شور صرفا کارکرد تبلیغی داشت و نشانی از خشک‌سالی است، نداشت و از اندیشه‌ی متن تهی بود.

### در جلسه نقد تئاتر «رقص شور» مطرح شد:

# رقص و اجرا نتوانست مکمل هم باشد

تئاتر رقص شور هفته گذشته پایان یافت./ عکس: وحید دهیادگاری | پاسارگاد

**گروه فرهنگ‌وهنر**

تئاتر رقص شور به کارگردانی محمدعلی سجادیان و ابراهیم اسدی زیدآبادی پس از ۱۹ شب اجرا سه‌شنبه هفته گذشته پایان یافت. جلسه نقد این تئاتر با حضور الیاس سارویی، جلیل امیری عضو کانون ملی منتقدان تئاتر ایران، ذبیح الله قاسمی بازیگر و کارگردان پیشکسوت و امیرحسین طاهری نویسنده و کارگردان سیرجانیپس از آخرین اجرا برگزار شد. در ابتدای جلسه محمدعلی سجادیان نویسنده و کارگردان اصلی گفت: هنرمندانی که کار فرم انجام دادند را از بین بچه‌های زورخانه انتخاب کردیم، چون با ریتم آشنا هستند. ابراهیم اسدی هم در مورد اینکه چرا نامش به عنوان کارگردان آمده گفت: در گروه «میم» حتما باید کارگردان از اعضای هیئت‌مدیره گروه باشد و به این دلیل اسم من به عنوان کارگردان ذکر شده بود وگرنه همه زحمات و ایده‌ها به گردن آقای سجادیان بود و من صرفا نقش حمایتی داشتم.

**نمایشنامه نقطه پایین نمایش بود**

جلیل امیری در نقد این نمایش گفت: من اگر بخواهم یک نقطه اوج و یک نقطه پایین برای این کار تعیین کنم، بازیگری در نقطه اوج می ایستد و نمایشنامه در پایین‌ترین نقطه اجرا. بزرگ‌ترین اشکال این اجرا، نمایشنامه آن است. نمایشنامه تلاش می کند در فضای سمبولیستی حرکت کند اما اتمسفر یک‌دست سمبولیستی خود را رعایت نمی‌کند. مثلا کاراکترها همه می گویند ما روستایی هستیم و سواد نداریم، اما چنان نثر تراشیده و شاعرانه‌ای دارند که آدم متوجه می‌شود کلام در دهان آنها گذاشته شده است و این دیالوگ‌ها مربوط به آن فضا نیست. از طرف دیگر، در این تئاتر از عناصری استفاده می‌شود که از ما خیلی دور است. نمایشنامه مال زمان ما نیست. دغدغه نمایشنامه هم دغدغه تماشاچی ما نیست. امیری ادامه داد: نویسنده در زیر متن تلاش می‌کند حرف‌های عمیق‌تر بزند، مثلا کدخدایی که شناسنامه‌ها را نگه داشته اما این موضوع در رویه و داستان نمایشنامه از ما دور است و درام خط خودش را پیدا نمی‌کند. در این نمایش نه با شخصیت روبرو هستید و نه با یک سری فیگور و چهره‌های تیپیکال، کاراکترها را نمی‌توان شناخت و انگیزه‌های درونی‌شان را کشف کرد. امیری افزود: مثلا نمی‌دانیم روستایی‌ها چرا در این شرایط مانده‌اند، کدخدا چرا اصرار بر این روش عجیب دارد، خانم مهندس که همه چیز را می‌داند، چرا از روز اول افشاگری نمی‌کند و همه چیز را می‌گذارد برای لحظه آخر؟ این تناقض‌هایی که بین گفتار و رفتار کاراکترها می‌بینیم باعث می‌شود درام به ساختار منسجمی دست پیدا نکند.

**تضاد سنت و مدرنیته نیست**

امیرحسین طاهری در مورد این موضوع که آیا این تئاتر تضاد سنت و مدرنیته را توانسته به خوبی نشان دهد گفت: من تضاد سنت و مدرنیته را ندیدم. آنچه که در این اجرا دیدم، تضاد منافع بود. چرا که نه کدخدا یک آدم تماما سنتی است، و نه سیستم مدرن با آدم‌های روستا ناآشنا و غریبه. نشانه‌هایی از سنت و مدرنیته هم اگر هست، این نشانه‌ها رودرروی هم نمی‌ایستند و به پیشبرد درام منجر نمی‌شوند. بلکه جداافتاده و بی‌ارتباطند. به گمان من، نویسنده بی‌جهت خود را درگیر استعاره کرده است. نسل جوان امروز را ببینید، در تمام خواست‌هایشان از حقوق زنان گرفته تا آزادی‌های مدنی، از اعتراضات سیاسی تا معیشتی، خیلی رک و راست حرف‌شان را می‌زنند. مخاطب از زبان این نمایشنامه خیلی جلوتر است. پیچیدن زبان نمایشی در این استعاره‌های پیچیده و نامفهوم، بن‌مایه حرف شما را به جایی پرتاب می‌کند که بازیافت آن، نیازمند انرژی زیادی از تماشاگر است. مخاطب امروز حوصله حل معما ندارد و انتظار دارد راحت‌تر گفت‌وگو کند. طاهری ادامه داد: مشکل دیگر نمایشنامه آن است که داستانش خیلی دیر شروع می‌شود و شروع نشده تمام می‌شود. ۹۰ درصد ابتدای نمایشنامه صرف توصیف وضعیت و ارتباطات کاراکترها با هم می‌شود و در آن ۱۰ درصد باقیمانده فرصتی برای فراز و فرود دراماتیک باقی نمی‌ماند.

جلیل امیری هم در تکمیل صحبت‌های طاهری گفت: دیالوگ‌نویسی خوبی شده بود. هرچند دیالوگ‌ها متناسب با آن آدم‌ها نبودند و دیالوگ‌های نویسنده بود. گمان نمی‌کنم دوره ما دوره سمبولیسم باشد. الان در فضای مجازی لخت و رک همه چیز را می‌بینی. در این فضا رفتن به استعاره کارکرد ندارد.

**باید پیشینه گفته می‌شد**

محمدعلی سجادیان نویسنده و کارگردان هم در توضیح اثر خود گفت: این داستان سه سال بعد از آن حادثه کور شدن بچه‌ها است. ابتدا باید یک پیشینه سه ساله گفته شود و بعد به زمان حال برگردیم. نمایشنامه یک روایتی از گذشته است و ما در یک لحظه، الان را روایت می‌کنیم.

جلیل امیری گفت: ما باید بدانیم نمایشنامه داستان و قصه نیست. تئاتر نشان دادن موقعیت آدم‌هاست، تردیدها و تصمیم‌ها. اما در این تئاتر مخاطب درگیر موقعیت کاراکترها نمی‌شود، چون کنش دراماتیک دیر آغاز می‌شود. تماشاچی لحظه‌ای درگیر موقعیت می‌شود که نمایشنامه در صحنه‌ی بعدش تمام می‌شود.

سجادیان در توضیح این موضوع گفت: تغییر در نمایشنامه ما از قصد ایجاد نمی‌شود. دارد متعادل‌سازی ایجاد می‌کند. ذره‌ذره فضایی به وجود می‌آید. فرم‌های (حرکات موزون) کار جزو و مکمل نمایش هستند. این یک کار تجربی بود. برای من هم نو بود. نمی‌دانم من چقدر به آن چیزی می‌خواستم رسیدم و موفق بودم همه گروه داشتند تجربه می‌کردند.

**نیم نگاه**

**تئاتر نشان دادن موقعیت آدم‌هاست، تردیدها و تصمیم‌ها در این تئاتر مخاطب درگیر موقعیت کاراکترها نمی‌شود، چون کنش دراماتیک دیر آغاز می‌شود و قیمت آن بالا رفته است**

**بازیگری در نقطه اوج می‌ایستد و نمایشنامه در پایین‌ترین نقطه**

**منطق داستانی لنگ می‌زند**

امیر حسین طاهری در نقد نمایشنامه گفت: منطق داستانی نمایشنامه خیلی جاها لنگ می‌زند. کدخدا و اصغر چرا هر شب به دنبال احیای قنات‌ها هستند، مگر نه اینکه مشکل از خشک شدن دریاچه است، قنات چه ربطی به دریاچه دارد؟ از سویی هنوز مهندس سدی نساخته که بتوان او را مقصر خشک شدن دریاچه دانست، به همین دلیل حضورش در این نمایشنامه پیش‌برنده نیست، همین طور اصغر، رحمان و رحیم کمکی به سیر دراماتیک نمایشنامه نمی‌کنند و قابل حذف هستند. آرایش نیروهای این نمایشنامه به شکلی است که یک سوی آن حلیمه ایستاده است و در سوی دیگر کدخدا. باقی کاراکترها متاسفانه فاقد کنش و کارکرد و کاملا زاید هستند. همین مسئله حضور کاراکترهای غیرمفید باعث شده فضای نمایشنامه شلوغ و ناواضح و نمایشنامه پر شود از صحنه‌های اضافه، و همه‌چیز را بگوید جز داستان و حرف اصلی خود را. سجادیان هم گفت: جنگ، جنگ منفعت است. در آخر نمایش قاسم از چشم ما می‌افتد چون بچه‌اش را به شهر می‌برد. ولی مهندس سدش را می‌سازد و مردم مظلوم به ناچار می‌روند در سدسازی کار کنند. همه این صحنه‌ها مکمل هم هستند. ذبیح الله قاسمی اما معتقد بود که در این نماشینامه تقابل سنت و مدرنیته به چشم می‌خورد و نمایشنامه پیامش را به مخاطب منتقل کرده است.

**در اجرا دوپارگی دیده می‌شود**

امیرحسین طاهری در مورد اجرا هم گفت: در اجرا دو پارگی دیده می‌شود که بیشتر ناشی از حل و هضم‌نشدن رقص‌ها و صحنه‌ها در یکدیگر است. تکلیف مخاطب مشخص نیست که آیا قرار است با یک کار موزیکال روبه‌رو باشد و یا یک اثر دراماتیک که از رقص و موسیقی به عنوان عناصر خود استفاده می‌کند. توازن بین این صحنه‌ها برقرار نشده، مثلا از اولین نتی که گروه موسیقی می‌نوازد و اجرا آغاز می‌شود، تا اولین دیالوگ بیش از ۱۷ دقیقه طول می‌کشد.

پیام قاسمی‌نژاد آهنگساز این نمایش گفت: می‌خواستیم تماشاچی را از فضای بیرون کنار بکشیم و داخل سالن بیاوریم.

طاهری ادامه داد: رقص؛ حرکت بدن در فضا است، حرکت یک بدن سه بعدی در فضای سه بعدی، و برای تکمیل فرم خود از رنگ، لباس و حتی میمیک چهره رقصندگان استفاده می‌کند. اما در این اجرا، با تاریک کردن صحنه و تبدیل رقص به سایه رقص، هم بعد سوم و عمق صحنه از دست رفت و هم رنگ و میمیک. در واقع شما حدود یک سوم زمان اجرا را به رقصی اختصاص دادید که خودتان پیشاپیش دست طراح را بسته بودید. طبیعتا با این محدودیت اجرایی، طراح نمی‌تواند مفاهیم مورد نظر شما را منتقل کند. بنابراین اجرا دوپاره می‌شود، یکی صحنه‌هایی که قرار است داستان را روایت کنند، و دیگری رقصی که به تنهایی زیباست و مشخصا خیلی هم برایش زحمت کشیده شده اما در انتقال مفاهیم مورد نظر کارگردان نارساست.

سجادیان هم گفت: ما عمدی زاویه‌ها را جوری چیدیم که دو بعدی باشد. من ترجیح دادم رقص سه‌بعدی و در نور نباشد.

**اجرا از نمایشنامه بهتر بود**

جلیل امیری در مورد کار گفت: به نظر من اجرا از نمایشنامه بالاتر می‌ایستد. اجرا طراحی خوبی نسبت به نمایشنامه دارد. کار دوپاره است. طراحی رقص‌ها را با اینکه دو بعدی بود، من دوست داشتم. طراحی خوبی شکل گرفته بود. اما این دو پاره (رقص و اجرای تئاتر) نتوانست مکمل هم باشد. رقص یک چیز مستقل بود و اجرا هم مستقل و من دو کار همزمان دیدم. این‌ها نتوانستند به هم کمک کنند.

طاهری ادامه داد: یکی دیگر از علل درک نشدن مفاهیم پشت رقص‌ها این است که نظام نشانه‌شناسی منسجمی در این کار شکل نمی‌گیرد. اگر کاراکترهایی که می‌رقصیدند همان‌هایی بودند که بازی می‌کردند، مخاطب بهتر بانحوه روایت بصری شما ارتباط برقرار می‌کرد.

میثم اسدی بازیگر این تئاتر هم گفت: من در فرم (حرکات موزون) دنبال یک مفصل با داستان می‌گردم و می‌توانم این مفصل را در چندین جای فرم ببینم. مخاطب هم می‌تواند آنها را ببیند.

امیری گفت: شما (میثم اسدی) چند ماه است با این کار هستید. با منی که یک بار کار را می‌بینم فرق می‌کند. ظرافت‌هایی که شما چند ماه درگیر آن هستید خیلی فرق می‌کند. عناصر نشانه‌شناسی در رقص‌ها و کار باید به هم نزدیک شوند. ما معما طرح نمی‌کنیم. مخاطب مثل شرلوک هولمز ننشسته است تا کشف رمز کند. عناصر نشانه‌شناسی باید با توجه به فرهنگ عمومی و دانسته‌های عمومی ما قدرت داشته باشد تا من را درگیر کند.

جواد خواجویی کارگردان و بازیگر تئاتر در این رابطه گفت: اگر من می‌خواستم کار را به صورت دوپاره و مجزا از هم نگاه کنم خسته می‌شدم و نگاه کردن همزمان رقص و کار باعث شد بتوانم کار را نگاه کنم. نشانه‌هایی برای ارتباط متن و حرکات موزون وجود داشت ولی اگر بیشتر می‌شد بهتر بود.


## آگهی مناقصه دهیاری دارستان (نوبت دوم)

دهیاری دارستان در نظر دارد اجرای پروژه جدول‌گذاری، سنگ‌فرش و کانیو را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید. لذا از کلیه پیمانکاران واجد شرایط و متقاضی شرکت در مناقصه دعوت به عمل می‌آید.

شرایط مناقصه:

۱ – سپرده شرکت در مناقصه ۸۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که بایستی به صورت واریز به حساب سپرده ۰۱۰۶۱۰۱۷۰۷۰۰۷ بانک ملی سپرده دهیاری دارستان و یا به صورت ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر به نام شرکت ارایه گردد.

۲ – در صورتی‌که نفرات اول تا سوم حاضر به انعقاد قرارداد نباشند، سپرده آن‌ها به ترتیب ضبط خواهد شد.

۳– به پیشنهادات مخدوش، مشروط و ناقص رسیدگی نخواهد شد.

۴– سایر اطلاعات و جزییات مربوط به معامله در اسناد مناقصه موجود می‌باشد.

۵– دهیاری در رد یا قبول پیشنهادات مجاز و مختار است.

۶– تاریخ و محل تحویل پاکات تا پایان وقت اداری مورخ ۹۷/۰۹/۲۶ است.

۷– تاریخ بازگشایی پاکات مورخ ۹۷/۰۹/۲۷ می‌باشد.

۸– برآورد اولیه به مبلغ ۱۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.

۹– هزینه نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

۱۰ – ارائه اسناد مناقصه از مورخ ۹۷/۰۹/۱۷ تا پایان وقت اداری مورخ ۹۷/۰۹/۲۶ می‌باشد.

۱۱ – جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۳۲۴۷۲۰۲۸ تماس حاصل فرمایید.

دهیاری روستای دارستان

## آگهی مناقصه سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری سیرجان (نوبت اول)

سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری سیرجان به استناد بند ۳ مصوبه شماره ۱۴ شورای سازمان در نظر دارد عملیات تنظیف، نگهداری، تخلیه و باز کردن مجرای سرویس بهداشتی پارک‌های سطح شهر و مسجد جامع را از طریق مناقصه عمومی براساس شرایط ذیل و مندرج در اسناد مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت‌های خدماتی دارای مجوز از اداره کار و امور اجتماعی دعوت به عمل می‌آید از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم همه روزه به جز ایام تعطیل حداکثر به مدت ۱۰ (ده) روز جهت خرید اسناد مناقصه به امور قراردادهای سازمان واقع در بلوار شهید زندی‌نیا مجتمع سازمانی شهرداری مراجعه نمایند.

شرایط شرکت در مناقصه:

۱ – سپرده شرکت در مناقصه مبلغ ۱۰۷/۰۸۸/۰۰۰ ریال که می‌بایست به صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر و یا رسید پرداختی به حساب ۰۱۰۵۹۳۸۱۸۶۰۰۱ به نام سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری نزد بانک ملی ارسال گردد.

۲ – سازمان در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

۳– به پیشنهادات مخدوش و ناقص ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴– هرگاه برندگان اول تا سوم به هر نحو از انعقاد قرارداد خودداری نمایند، سپرده آن‌ها به ترتیب به نفع سازمان ضبط خواهد شد.

۵– سایر اطلاعات و جزییات مربوط به معامله در اسناد مناقصه موجود می‌باشد.

۶– آخرین مهلت تحویل اسناد به واحد حراست شهرداری تا پایان وقت اداری مورخ ۹۷/۱۰/۰۸ می‌باشد.

۷– تاریخ بازگشایی پاکات مورخ ۹۷/۱۰/۰۹ ساعت ۹ می‌باشد.

مدیریت ارتباطات شهرداری و شورای اسلامی شهر سیرجان